

Semantic Differences among Ahl al-Kitāb, alladhīna ūtū al-kitāb, and alladhīna ātaynāhum al-kitāb in the Qur'an: A Semantic Inquiry and Chronological Analysis of Revelation

Elham Aghadoosti ¹  Mohammadreza Sotoudehnia ² 

1. PhD Graduate in Qur'anic and Hadīth Sciences, Faculty of Theology and 'Ahl al-Bayt Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

(Corresponding Author)

2. Associate Professor of Qur'anic and Hadīth Sciences, Faculty of Theology and 'Ahl al-Bayt Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran.



Corresponding Email: e.aghadoosti@ahl.ui.ac.ir
<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.513676.1450>

Article History:

Received: 2025-04-14

Revised: 2025-05-05

Accepted: 2025-05-12

Online First: 2025-09-29

Keywords

Ahl al-Kitāb,
alladhīna ūtū al-kitāb,
alladhīna ātaynāhum al-kitāb,
Qur'an,
semantics.

Type of Article:

Research

Abstract: In the Qur'an, the People of the Book are addressed through several expressions-alladhīna ūtū al-kitāb, Ahl al-Kitāb, and alladhīna ātaynāhum al-kitāb. Identifying the semantic distinctions among these terms, which may appear synonymous at first glance, constitutes the main question of this study. Using a descriptive-analytical method, and examining the semantic components and chronological usage of the expressions across Makkah and Madinan revelation, the study analyzes their nuanced differences. The findings indicate that alladhīna ātaynāhum al-kitāb refers to an elevated group of learned members of the People of the Book-primarily present in Makkah-who affirmed the prophethood of Muḥammad (ṣ) and believed in the Qur'an. In contrast, alladhīna ūtū al-kitāb, occurring predominantly in Madinan verses, designates a group of corrupt scholars and elites who, despite knowing the truth of Islam, concealed it. This is supported by their frequent association with terms such as knowledge, recognition, covenant, clear proof, and concealment. Ahl al-Kitāb, meanwhile, encompasses both groups in addition to the general population of the People of the Book-believers and disbelievers alike-who, according to the Qur'an, followed their religious authorities. This group also appears extensively in Madinan contexts.

How to cite:

Aghadoosti, Elham; & Sotoudehnia, Mohammad Reza . (2025). Semantic Differences among Ahl al-Kitāb, alladhīna ūtū al-kitāb, and alladhīna ātaynāhum al-kitāb in the Qur'an: A Semantic Inquiry and Chronological Analysis of Revelation. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (4), 127-149.

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.513676.1450>

@ authors retain the copyright and full publishing rights. Licensee University of Quranic Studies and Sciences this article an open access article distributed under the term and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CCBY 4.0) <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



اختلاف معنایی «اهل الكتاب، الذين اوتوا الكتاب و الذين آتيناهم الكتاب»
در قرآن؛ معناشناسی و سیر نزول



دریافت: ۱۴۰۴-۰۱-۲۵
بازنگری: ۱۴۰۴-۰۲-۱۵
پذیرش: ۱۴۰۴-۰۲-۲۲
انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۷-۰۷

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.513676.1450>



الهام آقادوستی*^۱

محمدرضا ستوده نیا^۲

مقاله: پژوهشی

چکیده

«اهل کتاب» در آیات قرآن، با عناوین مختلف «أوتوا الكتاب»، «أهل الكتاب»، و «آتيناهم الكتاب» خطاب شده‌اند. کشف اختلاف معنایی بین این سه اصطلاح در قرآن که در نگاه اول، معنایی مشترک دارند، مسئله اصلی این مقاله است نویسنده سعی کرده است با روش توصیفی تحلیلی و با کمک مؤلفه‌های معنایی و کاربرد این عبارات در سیر نزول آن را بررسی و ارزیابی کند. در نهایت نتیجه چنین شد که عنوان «الذین آتيناهم الكتاب» در مرتبه‌ای والا، گروهی از احبار و علمای اهل کتاب را مدنظر قرار می‌دهد که حضور آن‌ها عمدتاً در مکه بود. این گروه، نبوت پیامبر و حقانیت قرآن را تصدیق کردند و بدان ایمان آوردند. در مرتبه نازل‌تر «الذین اوتوا الكتاب» قرار دارند که حضورشان در آیات مدنی پرننگی است. آن‌ها گروهی از علما و اشراف فاسق اهل کتاب بودند که با وجود علم به حقانیت اسلام، به کتمان آن پرداختند. دلیل بر این قول نیز همنشینی «الذین اوتوا الكتاب» با واژگانی همچون علم، معرفت، میثاق، بینه و کتمان است. «اهل الكتاب» نیز مجموعه‌ای از این دو گروه، به علاوه عموم اهل کتاب بودند که شامل مؤمنان و کافران می‌شدند و به اذعان قرآن، تابع علما و بزرگانشان بودند. این گروه نیز همچون گروه دوم در طول دوران نزول سوره‌های مدنی قرآن حضور داشتند.

واژگان کلیدی: اهل کتاب، الذین اوتوا الكتاب، الذین آتيناهم الكتاب، قرآن، معناشناسی.

استناد به مقاله:

آقادوستی، الهام؛ ستوده نیا، محمدرضا. (۱۴۰۴). اختلاف معنایی «اهل الكتاب، الذين اوتوا الكتاب و الذين آتيناهم الكتاب» در قرآن؛ معناشناسی و سیر نزول. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۴)، ۱۲۷-۱۴۹.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.513676.1450>

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

e.aghadoosti@ahl.ui.ac.ir

۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مهم‌ترین مخاطبان قرآن، در سه دسته کلی مشرکان و مسلمانان و اهل کتاب قابل تقسیم هستند. دو دسته نخست معمولاً با واژگان یا عبارات محدودی همچون «الذین اشركوا، الذین كفروا، الذین آمنوا، المؤمنین، المشركین، المسلمین» مخاطب واقع می‌شوند؛ اما اهل کتاب با عبارات و واژگان متنوع و متعددی همچون «اليهود، النصارى، الذین هادوا، اوتوا الكتاب، اهل الكتاب، آتینا الكتاب، الذین یقرؤون الكتاب، اورتنا الكتاب، ورتوا الكتاب، اورتوا الكتاب» خطاب می‌شوند. از میان این واژگان، «اهل الكتاب، الذین آتیناهم الكتاب، الذین اوتوا الكتاب» به دلیل استعمال بیشتر و پراکندگی آن در طول دوران نزول قرآن، مورد توجه مقالاً حاضر قرار گرفته است. توزیع این اصطلاحات در آیات مختلف مکی و مدنی به یک اندازه نیست؛ به طوری که اهل کتاب در آیات مکی غالباً با عنوان «الذین آتیناهم الكتاب» و در آیات مدنی با عنوان «الذین اوتوا الكتاب» یا «اهل الكتاب» یاد می‌شوند.

مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که بین سه عبارت مذکور در خطاب به اهل کتاب چه تفاوتی وجود دارد و علت استعمال خاص آن‌ها در دو حوزه مکه و مدینه چیست و چه تأثیری در فهم مراد الهی دارد؟ در ادامه سعی می‌کنیم با روش توصیفی تحلیلی و با محوریت آیات و بررسی گفتمان هر سوره و مؤلفه‌های معنایی هر یک از این سه عبارت، این تفاوت‌ها را تحلیل و تبیین کنیم.

اهمیت این مسئله آن است که گزینش و چینش آیات و واژگان و حتی حروف یک کلمه به مقتضای حکمت خداوند است. بنابراین هیچ تقدیم، تأخیر، حذف و ذکری در آیات صورت نمی‌گیرد و هیچ کلمه‌ای نسبت به مترادف خود برتری نمی‌یابد، مگر اینکه ناشی از هدفی از سوی خداست. با توجه به این نکته، چگونه می‌توان فرض گرفت که هر سه عبارت «الذین آتیناهم الكتاب، اهل الكتاب، الذین اوتوا الكتاب» به معنای واحدی اشاره داشته باشد و در هر سه به طور کلی «اهل کتاب» مد نظر آیات باشند؟ این فرضیه، خلاف حکمت و مصلحت الهی در گزینش این عبارات و استعمال متفاوت آن‌ها در آیات مکی و مدنی است. بنابراین در مقاله پیش رو تلاش می‌کنیم با کمک قرائن و بینامتنیت^۱ آیات قرآن با یکدیگر و نیز بررسی فضای نزول هر سوره، تمایز این عبارات در آیات مختلف را کشف و ارائه کنیم.

۱-۱. پیشینه تحقیق

نگاشته‌های متعددی در مورد اهل کتاب وجود دارد؛ از جمله مقاله «بررسی تفسیری سیر تعامل پیامبر اکرم ﷺ با اهل کتاب در مکه» از امیر احمدنژاد و زهرا کلباسی که به اثبات حضور اهل کتاب در مکه اشاره دارد؛ مقاله «معیار شمول عنوان اهل کتاب در قرآن مجید» از عبدالرحیم سلیمانی که به مصادیق اهل کتاب اشاره کرده است؛ همچنین کتاب «مجادلة «اهل الكتاب» في القرآن الكريم والسنة النبوية» از نورالدین عادل که به تعریف اهل کتاب و بیان مجادله با آن‌ها بر اساس آیات قرآن می‌پردازد؛ پایان‌نامه‌ای با عنوان «دیدگاه قرآنی تعامل با اهل کتاب» از فاطمه ساداتی با راهنمایی دکتر محمدرضا حاجی اسماعیلی که به صورت مفصل به مفهوم اهل کتاب پرداخته و اصول تعامل با آنان، شامل احترام متقابل، زندگی اجتماعی مسالمت‌آمیز، دعوت به حق و برخورد نظامی و سیاسی را تبیین می‌کند. در این نگاشته‌ها، نویسندگان موضوع اصلی خود را یکی از مباحث تفسیری مربوط به اهل کتاب با تکیه بر آیات و روایات قرار داده‌اند. نتایج حاصل از آن‌ها در پژوهش‌هایی که در مورد اهل کتاب صورت می‌گیرد، از جمله مقاله پیش رو می‌تواند مفید و مؤثر باشد، اما به نظر می‌رسد نخستین گام برای شناخت اهل کتاب، شناخت واژگان و اصطلاحاتی است که در قرآن برای این جماعت به کار رفته است. در این پژوهش از میان اصطلاحات مربوط به اهل کتاب، سه عبارت «الذین آتیناهم الكتاب، اهل الكتاب، الذین اوتوا الكتاب» را انتخاب

1. Intertextuality.

کرده‌ایم تا تفاوت معنایی آن‌ها بررسی و تحلیل کنیم. نتیجه این پژوهش می‌تواند به عنوان پیشینه اصلی پژوهش‌هایی باشد که در حوزه‌های مربوط به اهل کتاب انجام می‌شود.

۲. واژگان حوزه اهل کتاب

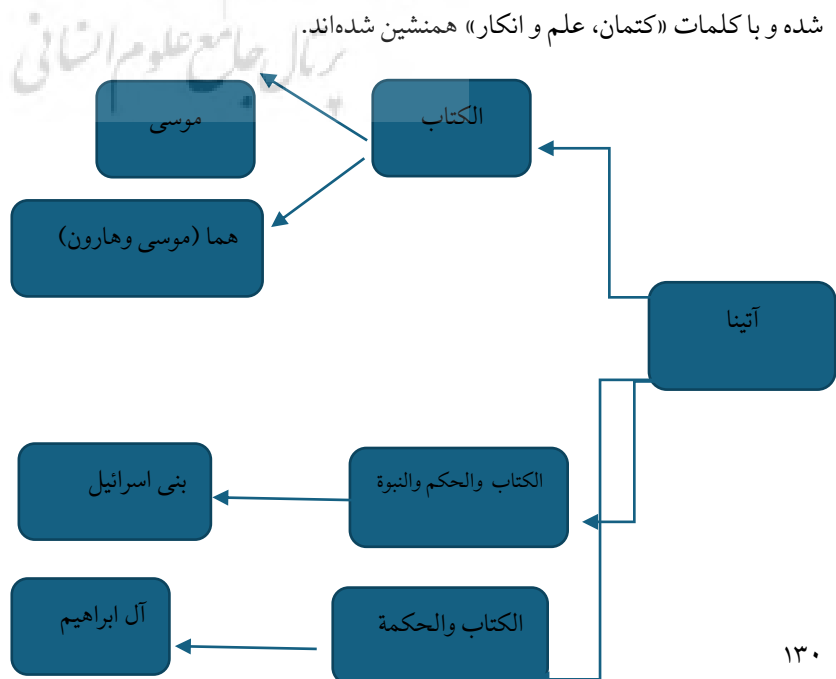
برای اهل کتاب در قرآن، واژگان یا عبارات مختلفی به کار رفته است که برخی به صورت مشخص به یکی از ادیان توحیدی اشاره دارد و برخی به صورت کنایی آن‌ها را مخاطب قرار می‌دهد. از هیچ‌یک از این اصطلاحات نمی‌توان اطلاعاتی درباره عالم یا امی بودن اهل کتاب یا مکی و مدنی بودن آن‌ها برداشت کرد. از میان این عبارات، سه تعبیر «أهل الکتاب»، «الذین آتیناهم الکتاب»، «الذین أوتوا الکتاب» به دلیل کاربرد بیشتر نسبت به عبارات «الذین یقرؤن الکتاب»، «أورثنا الکتاب»، «ورثوا الکتاب»، «أورثوا الکتاب» و همچنین پراکندگی بیشتر در آیات مکی و مدنی، موضوع پژوهش این مقاله قرار گرفته است، تا با کمک مؤلفه‌های معنایی و نیز با استناد به قرائن موجود در آیات و دیدگاه مفسران، اختلاف بین آن‌ها کشف و تبیین شود. به همین منظور، نخست همشین‌های هر یک از این سه عبارت را معرفی و سپس طبقه اجتماعی آن‌ها را بررسی می‌کنیم که مراد از طبقه اجتماعی آن است که در این عبارات، چه گروه‌هایی از اهل کتاب اعم از احبار یا امیین مراد هستند. در مرحله سوم، استعمال این عبارات در سیر نزول و کاربرد آن‌ها در دوران مکی یا مدنی بیان می‌شود. پس از تحلیل هر سه عبارت، تفاوت معنایی آن‌ها با کمک قرائن حاصل می‌شود و نتایجی که از این مراحل به دست می‌آید، ارائه می‌گردد.

۲-۱. الذین آتیناهم الکتاب

عبارت «الذین آتیناهم الکتاب» در ۸ آیه تکرار شده که به جز آیه ۱۲۱ و ۱۴۶ بقره، همگی مکی هستند.

۲-۱-۱. همشین‌های «آتیناهم الکتاب» در قرآن

«آتینا» در ۲۱ آیه با «الکتاب» همشین شده که ده مرتبه «الذین آتینا الکتاب» در کنار «موسی»، یک مرتبه در کنار ضمیر «هما» (موسی و هارون در صافات: ۱۱۷)، یک مرتبه با بنی اسرائیل (جاثیه: ۱۶) و یک مرتبه با آل ابراهیم (نساء: ۵۴) آمده است. این ترکیب در بقیه موارد با ضمیر «هم» آمده که منظور از آن اهل کتاب هستند. لازم به ذکر است که «موسی» تنها با «آتینا» و «الکتاب» همشین شده، اما آل ابراهیم در کنار کتاب و حکمت نیز آمده است؛ همچنین علاوه بر کتاب، در کنار بنی اسرائیل حکم و نبوت هم آمده است. همشین‌های «الذین آتیناهم الکتاب» نیز واژگان ایمان، معرفت، حکم، نبوت و علم است (بقره: ۱۲۱؛ انعام: ۲۰ و ۸۹). در دو آیه هم، دو واژه «فریق» (بقره: ۱۴۶) و «احزاب» (رعد: ۳۶) به معنای گروه‌هایی آمده‌اند که از گروه اهل کتابی یعنی «الذین آتیناهم الکتاب» جدا شده و با کلمات «کتمان، علم و انکار» همشین شده‌اند.



۲-۱-۲. طبقه اجتماعی «آئیناهم الکتاب»

عبارت «الذین آئیناهم الکتاب» هشت مرتبه در قرآن به کار رفته و به جز در یک مورد که منظور از آن پیامبران است (انعام: ۸۹)، در بقیه موارد علمای اهل کتاب مقصود هستند. برای اینکه ماهیت «الذین آئیناهم الکتاب» از خلال بررسی آیات مشخص شود، لازم است ویژگی‌های علمای اهل کتاب به خوبی تبیین شود. این ویژگی‌ها با مرور آیاتی که به این گروه اشاره دارد، به دست می‌آید:

الف) علم و معرفت: سیاق آیه ۱۱۴ سوره انعام در مورد علم اهل کتاب به تنزیل به حق قرآن از جانب خداست. طبق نظر مفسران، مراد از «الذین آئیناهم» در این آیه، بزرگان یهود یا علمای یهود و نصارا هستند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۴؛ نسفی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۴؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۵۳). در آیه ۱۴۶ سوره بقره و آیه ۲۰ سوره انعام، به معرفت و شناخت این گروه نسبت به قرآن یا پیامبر اشاره شده است. در آیه ۲۰ سوره انعام: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»، اگر «الذین» دوم صفت برای «الذین» اول باشد، مراد از کسانی که ایمان نمی‌آورند و دچار خسران می‌گردند، «الذین آئیناهم الکتاب» است؛ اما اگر طبق نظر گروهی از مفسران، «الذین» دوم را مبتدا بگیریم و مابعدش خبر باشد، در این صورت معنای آیه چنین می‌شود: «کسانی که به خود زیان می‌زنند، ایمان نمی‌آورند» که مراد از آن می‌تواند مشرکان یا کفار یا اهل کتاب منکر باشد (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۹۵؛ زمخشری، بی تا، ج ۲، ص ۱۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۴۰۰). با این نوع تفسیر، عبارت «الذین آئیناهم الکتاب» در آیه موردنظر نکوهش نشده‌اند، بلکه مراد جمیع کفار و مشرکان هستند.

ب) داشتن کتاب و حکم و نبوت: مفاد آیه ۸۹ سوره انعام این است که نه تنها به این گروه کتاب داده شده، بلکه حکم و نبوت نیز بدان‌ها تعلق گرفته است.

ج) شادی و سرور از نزول آیات قرآن: خداوند در آیه ۳۶ سوره رعد، به گروهی از اهل کتاب اشاره می‌کند که نسبت به آنچه بر پیامبر نازل شده اظهار خوشحالی می‌کنند. طبق نظر برخی از مفسران، مراد گروهی از اهل کتاب مانند عبدالله بن سلام هستند (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۴، ص ۲۰؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۳۰؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۱۶). او از علما و بزرگان یهود بود و سپس اسلام آورد.

د) ایمان به قرآن و پیامبر: از مجموع هشت آیه‌ای که به «الذین آئیناهم الکتاب» اشاره می‌کند، سه آیه به ایمان داشتن آن‌ها و تمجید از ایشان می‌پردازد. در آیه ۱۲۱ سوره بقره آن‌ها گروهی معرفی می‌شوند که آیات را تلاوت می‌کنند و بدان ایمان می‌آورند. آیه ۴۷ سوره عنکبوت نیز به ایمان اهل کتاب به قرآن اشاره می‌کند. همچنین آیه ۵۲ سوره قصص به گروهی از مؤمنان اهل کتاب اشاره دارد که پس از تلاوت آیات قرآن به آن ایمان آوردند و در برابر کسانی که به آن‌ها خرده می‌گرفتند، صبر پیشه کردند. ستایش این قوم در کلام خداوند حاکی از تعامل تأییدی و مثبت با آن‌هاست.

راغب اصفهانی در مفردات معتقد است هرگاه «آئینا» با «کتاب» بیاید، بلیغ‌تر از موضعی است که با «أوتوا» بیاید؛ زیرا «أوتوا» برای کسانی استعمال می‌شود که پذیرش نداشته نباشند، اما «آئیناهم» برای کسی می‌آید که از جانب او قبول و پذیرش وجود داشته باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۱). ضمن اینکه «أوتوا» مجهول و «آئینا» معلوم است. با توجه به این دیدگاه راغب و نیز با توجه به استعمال این عبارت در قرآن می‌توان گفت، این عبارت همراه با نوعی فخامت و وقار آمده است؛ زیرا پذیرش کتاب از جانب «الذین آئیناهم الکتاب» (برخلاف «الذین أوتوا الکتاب») با اقبال روبه‌رو بوده و خداوند نیز خود را به عنوان اعطاکننده کتاب معرفی کرده است. همان‌طور که اشاره شد، این عبارت در همه قرآن در مورد اعطاء به انبیا به کار می‌رود (به عنوان نمونه نک: «وَ آتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا» (نساء: ۱۶۳)، «وَ آتَيْنَا عِيسَى» (بقره: ۸۷))، اما در اینجا برای گروهی به کار رفته است که مقامی از علم و معرفت دارند.

دو آیه رعد: ۳۶ و بقره: ۱۴۶ از «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ»، دو گروه را با کلمه «فريق» یا «أحزاب» استثنا می‌کند. راغب «فريق» را جماعتی می‌داند که از دیگران جدا و پراکنده شده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳۲). بنابراین می‌توان گفت، با وجود علم و معرفت «الذین آتیناهم الكتاب»، گروهی از آن‌ها که از ایشان جدا شده‌اند، کتمان‌کننده حق و منکر آن هستند.

۳-۱-۲. استعمال «آتیناهم الكتاب» در سیر نزول

خطاب «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ» تنها در سور مکی دیده می‌شود (رعد: ۳۶؛ قصص: ۵۲؛ عنکبوت: ۴۷) (انعام: ۲۰، ۸۹ و ۱۱۴) و به جز دو آیه از بقره (بقره: ۱۲۱ و ۱۴۶) که در اوایل هجرت پیامبر به مدینه نازل شده، این عبارت در سرتاسر حضور پیامبر در مدینه در هیچ آیه‌ای به کار نرفته است.

با توجه به عدم استعمال این عبارت در سور مدنی (به استثنای بقره)، چه بسا این عبارت مشخصه و ممیزه اهل کتابی بوده است که در مکه در معرض آیات و سور واقع می‌شدند؛ زیرا در مکه گروهی از اهل کتاب ساکنان مکه یا زائران و تاجران بودند که به دلایلی به مکه وارد می‌شدند و پس از هجرت به یثرب جز در اوایل دوران مدنی، دیگر مخاطب آیات واقع نشدند؛ یا به واسطه اینکه در ابتدای هجرت، هنوز فضای عمومی مسلمانان همان ذهنیت اهل کتاب مکه بود و هنوز با شیطنت‌های یهودیان مدینه آشنا نشده بودند، این تعبیر همچنان همانند تعبیر مکی برای اهل کتاب به کار رفت و پس از آن با تغییر فضای تبلیغ، عبارات دیگری در خطاب به آن‌ها استعمال شد. می‌توان این نکته را هم افزود که هرچند تعامل با اهل کتاب در مکه کمتر از مدینه بود، در همین تعداد کمتر تعاملات، رویکرد مثبتی نسبت به اهل کتاب مدنی وجود داشت.

۲-۲. الذین أوتوا الكتاب

عبارت «الذین أوتوا الكتاب» یا «أوتوا نصیباً من الكتاب» ۲۱ مرتبه در قرآن به کار رفته است.

۱-۲-۲. همشین‌های «الذین أوتوا الكتاب» در قرآن

همشین‌های «الذین أوتوا الكتاب» در قرآن، کلیدواژگان «علم»، «بینه»، «کتمان» و «تفرقه» است (برای نمونه نک: بقره: ۱۰۱، ۱۴۴، ۱۴۵ و ۲۱۳؛ آل عمران: ۱۹، توبه: ۲۹، نساء: ۴۷ و ۱۳۱). طبق آیات قرآن، پس از آمدن بینه برای «الذین أوتوا الكتاب»، آنان متفرق شدند. فرقه‌ای از آن‌ها به کفر فرا خواندند، فرقه‌ای کتاب خدا را پشت سر انداختند و فرقه‌ای به حاکمیت کتاب خدا پشت کردند. گروهی از آن‌ها نیز در برابر «امیین» قرار دارند. خداوند در یکی از آیات از مؤمنان می‌خواهد «الذین أوتوا الكتاب» و امیین را به دوستی نگیرند؛ زیرا بسیاری از آن‌ها فاسقند. ویژگی آن‌ها ایمان نداشتن به خدا و روز قیامت و دین حق است. گروهی از آن‌ها حق را کتمان کردند و مسلمانان را آزار دادند. ایشان در یکی از آیات، ظاهراً در کنار مؤمنان و در برابر کافران قرار گرفته‌اند (مدثر: ۳۱). علاوه بر این، در سوره مانده نیز «طعام الذین أوتوا الكتاب» و ازدواج با زنان آن‌ها حلال شمرده شده و شاید بتوان این آیات را تنها آیاتی دانست که به ذم و نکوهش «الذین أوتوا الكتاب» پرداخته است.

۲-۲-۲. طبقه اجتماعی «الذین أوتوا الكتاب»

با بررسی ویژگی‌هایی که قرآن برای «الذین أوتوا الكتاب» ذکر کرده است، می‌توان طبقه اجتماعی آن‌ها را در میان اهل کتاب شناسایی کرد. این ویژگی‌ها را در ادامه بررسی می‌کنیم:

الف) علم و کتمان «الذین أوتوا الكتاب»: نخستین ویژگی این گروه آن است که به نبوت پیامبر ﷺ علم دارند و با وجود علم به نبوت پیامبری که از نزد خدا آمده و مصدق کتب آن‌ها بود، اظهار بی‌خبری می‌کنند: «كَانَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۰۱). مراد از «الذین أوتوا

الكتاب» در این آیه، به دلیل وصف به «علم»، علمای یهود و افرادی از اهل کتاب هستند که علم به کتاب خود داشتند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۶۱۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۳۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۳۰). آیه ۱۸۷ سوره آل عمران، به کتمان حق توسط «الذین اوتوا الكتاب» اشاره می‌کند که مراد، علمای اهل کتاب هستند؛ زیرا طبق نظر برخی از مفسران، کتمان توسط گروه اندکی از ایشان صورت می‌گرفت، نه جمع بزرگی (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۰۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۶). علاوه بر آن، کتمان توسط گروهی صورت گرفت که نسبت به مسئله‌ای علم داشتند و در صدد پنهان کردن آن بودند. «امّیون» اهل کتاب که از محتوای کتاب خود بی‌خبر بودند، چگونه می‌توانستند به کتمان حقایق آن بپردازند؟

در ماجرای تغییر قبله (بقره: ۱۴۴)، مجدداً به علم علمای یهود اشاره شده است. طبق نظر مفسران، مراد از این گروه نیز علمای یهود و نصارا یا تنها علمای یهود بودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۲۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۰۶). این آیه دوبار به علم آن‌ها اشاره می‌کند؛ یکبار با لام تأکید: «وَإِنَّ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ» (بقره: ۱۴۴) که مقصود گروهی بودند که قطعاً علم داشتند. در آیه بعد به علم پیامبر اشاره می‌کند: «مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ» (بقره: ۱۴۵). می‌توان اشتراک پیامبر و «الذین اوتوا الكتاب» در موضوع علم را به دلیل آن دانست که پیامبر سرور و بزرگ مسلمانان بود و «الذین اوتوا الكتاب» هم بزرگ قوم خود و بزرگ اهل کتاب بودند.

ب) تقابل «الذین اوتوا الكتاب» با امیین: یکی از توصیفات قرآن برای «الذین اوتوا الكتاب» آن است که آن‌ها در تقابل با چند گروه قرار دارند؛ نخست با مؤمنان: «الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ» (مدثر: ۳۱)، دوم با کفار: «الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ» (مانده: ۵۷)، سوم با امیین: «وَقُلْ لِلَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ» (آل عمران: ۲۰). تقابل با دو گروه اول به دلیل آنکه اهل کتاب در زمره کفار (مشرکان و بت پرستان) یا مسلمانان نیستند، واضح است؛ اما تقابل با امیین با این دلیل قابل توجیه است که در میان عامه مردم سلسله طبقات وجود داشت و صف امیین از «الذین اوتوا الكتاب» جدا بود. اگر مقصود از امیین، افراد درس ناخوانده باشد، در برابر آن‌ها گروه درس خوانده قرار داشتند که غالباً احبار و بزرگان اهل کتاب بودند و با صفت «الذین اوتوا الكتاب» خطاب شده‌اند.

ج) توصیه به مسلمانان در اطاعت نکردن از «الذین اوتوا الكتاب»: در آیه ۱۰۰ سوره آل عمران از مؤمنان خواسته شده است که از «الذین اوتوا الكتاب» اطاعت نکنند (آل عمران: ۱۰۰). در شأن نزول این آیه گفته‌اند، منظور از این گروه، فردی به نام شاس بن قیس از احبار قبیله بنی قینقاع است که نسبت به مسلمانان بسیار حسود بود و به آن‌ها بسیار طعنه می‌زد (ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۲، ص ۳۵۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۷۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹۳؛ واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲۱-۱۲۰). از آنجاکه معمولاً از بزرگ یک قوم اطاعت می‌شود و نه از مردم عادی و نیز با توجه به شأن نزول این آیه که آن را مرتبط با یکی از احبار یهود می‌داند، می‌توان گفت مراد از «الذین اوتوا الكتاب» بزرگان اهل کتاب بودند.

د) اهمیت «الذین اوتوا الكتاب»: خداوند در آیه ۳۱ سوره مدثر، به یقین «الذین اوتوا الكتاب» اشاره می‌کند. ظاهراً این گروه از اهل کتاب، پیشتر به حقانیت قرآن و دعوت پیامبر ﷺ ایمان آورده بودند. این نکته از واژه «لیستیقن» برداشت می‌شود؛ زیرا یقین بالاتر از ایمان است؛ بدان معنا که آن‌ها ایمان داشتند، اما گویی هنوز نقطه‌هایی از تردید در دل ایشان وجود داشت. واژه «لا یرتاب» این نکته را تأیید می‌کند. به همین منظور خداوند برای ارتقای ایمان ایشان به عالی‌ترین مرتبه، یعنی یقین، به نکته‌ای اشاره می‌کند که چه‌بسا به جز اهل کتاب کسی بدان علم نداشته است. آن نکته اولاً اشاره به ملائکه است که اهل کتاب به خوبی آن را می‌شناختند و با واژه «ملاک» به معنای ملائکه در کتاب آسمانی خود آشنایی داشتند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۹۳)؛ دوم اینکه می‌دانستند ملائکه، خازنان جهنم هستند و

این نکته‌ای است که تلمود هم بدان اشاره کرده است (کهن، ۱۳۸۲، ص ۷۳)؛ سوم بر شمردن تعداد خازنان جهنم است که در واقع اشاره به جزئی‌ترین حقایقی است که شاید در آن عصر به جز «الذین أوتوا الكتاب» کسی از آن خبر نداشت. لذا بیان این مسئله در این آیه نه تنها کوچک‌ترین شک آن‌ها را در مورد حقانیت قرآن و پیامبر ﷺ می‌زدود، بلکه موجب یقین آن‌ها می‌شد.

نکته‌شایان ذکر آن است که ایمان و یقین این گروه برای قرآن اهمیت داشت. علت این مسئله شاید منزلت اجتماعی این گروه بود و بر این مطلب دلالت می‌کرد که مراد از آن‌ها احبار و بزرگان اهل کتاب بودند که صاحبان علم به شمار می‌آمدند و از سویی از جزئیات امور اعتقادی مانند تعداد خازنان جهنم آگاهی داشتند. بدین ترتیب یقین ایشان می‌توانست باعث تقویت ایمان مؤمنان و متزلزل شدن جایگاه مشرکان شود.

ه) میثاق گرفتن از «الذین أوتوا الكتاب»: آیه ۱۸۷ سوره آل عمران صراحتاً به اخذ میثاق از «الذین أوتوا الكتاب» اشاره دارد و اینکه باید حقایق کتاب خدا را بیان کنند و کتمان نکنند. از آنجاکه اخذ میثاق قاعداً از علما و رؤسا صورت می‌گیرد، برخی از مفسران نیز این عهد و پیمان را از رؤسای یهود می‌دانند (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۷۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۵۱).

و) مصدق لما معکم (معهم): در آیه ۱۰۱ سوره بقره و ۴۷ سوره نساء، قرآن تصدیق‌کننده چیزی معرفی شده که همراه آن‌ها بود. آنچه تصدیق شده، کتب آسمانی اهل کتاب بود که در تفاسیر مختلف، تورات یا تورات و انجیل معرفی شده است (برای نمونه نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۲۹؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۱۱۱). واژه «معهم» یا «معکم» یعنی آنچه در معیت آن بودند. شاید بتوان مراد از این گروه را طبقه‌ای از اهل کتاب دانست که همواره در معیت کتاب آسمانی خویش بودند؛ یعنی همواره قسمت‌هایی از آن را همراه داشتند، یا کتاب به راحتی در دسترس آنان بود. این ویژگی می‌توانست منحصر به علمای آن‌ها باشد؛ زیرا عامه اهل کتاب به کتاب خود دسترسی نداشتند و در زمره امّیین بودند.

و) بغی و تفرقه «الذین أوتوا الكتاب»: یکی از ویژگی‌های «الذین أوتوا الكتاب» آن است که بعد از آمدن بینات یا علم، از روی بغی در آن اختلاف کردند (بقره: ۲۱۳؛ آل عمران: ۱۹) و متفرق شدند (بینه: ۴). با توجه به قرآنی همچون علم و بینات در این آیات، می‌توان گفت مراد از «الذین أوتوا الكتاب» طبقه‌ای از اهل کتاب هستند که از محتوای کتب آسمانی خود با خبر بودند و بدان علم داشتند. برخی از مفسران مراد از این گروه از اهل کتاب را علمای آن‌ها می‌دانند؛ زیرا به وجود این نشانه‌ها در کتابشان علم داشتند. برخی نیز آن‌ها را مؤمنان اهل کتاب می‌دانند (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۵۱۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۲۶۱).

ز) تبعیت «الذین أوتوا الكتاب» از قرآن: واکنش «الذین أوتوا الكتاب» در برابر کتاب الله، بی‌توجهی و پشت سر انداختن (بقره: ۱۰۱) و تولی و اعراض از (آل عمران: ۲۳) است. همچنین آن‌ها در ماجرای تغییر قبله از دستورات قرآن تبعیت نکردند (بقره: ۱۴۵). احبار و علمای اهل کتاب رهبر و الگوی دیگر همکیشان خود بودند و چنانچه از قبله مسلمانان تبعیت نکنند، عموم اهل کتاب نیز از آن‌ها تبعیت نمی‌کنند. پس مراد از «الذین أوتوا الكتاب» در این آیه بنابر دیدگاه مفسران، احبار و بزرگان اهل کتاب هستند (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۰۷).

ح) دعوت «الذین أوتوا الكتاب» به اسلام و ایمان و تقوا: تنها آیه‌ای که در آن «الذین أوتوا الكتاب» مورد خطاب قرار گرفته‌اند، آیه ۴۷ سوره نساء است. در این آیه، خداوند «الذین أوتوا الكتاب» را به ایمان به کتاب و پیامبری فرامی‌خواند که تصدیق‌کننده کتاب آن‌هاست. برخی مفسران مراد از «الذین أوتوا الكتاب» را همه اهل کتاب از یهود و نصارا (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۶۸؛ طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۱۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۶۳)، اما گروهی دیگر مراد از آن را احبار یهود می‌دانند (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۶۴۱؛ قرطبی،

۱۳۶۴، ۵، ص ۲۴۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۶۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۹۵). آیه ۲۰ سورة آل عمران نیز به دعوت «الذین اوتوا الكتاب» به اسلام اشاره می کند که می تواند به اسلام خواندن علمای آنها مدنظر باشد؛ زیرا هدایت بزرگان یک دین منجر به هدایت مردمان عادی نیز می شود. در آیه ۱۳۱ سورة نساء نیز خداوند «الذین اوتوا الكتاب» را به تقوای الهی توصیه می کند. در همه این آیات؛ از «الذین اوتوا الكتاب» دعوت شده است اسلام و ایمان و تقوا داشته باشند تا تابعان آنها نیز در این راه گام بردارند. ط) پرداخت جزیه: آیه ۲۹ سورة توبه با لحن تندى به مسلمانان دستور می دهد با افرادی از «الذین اوتوا الكتاب» که به خدا و روز قیامت ایمان نیاورده اند و آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده اند، حرام نمی شمارند، بجنگند؛ مگر اینکه جزیه دهند. برخی از مفسران مراد از «الذین اوتوا الكتاب» را در این آیه کسانی می دانند که احکام تورات و انجیل را تحریف کرده و از جانب خود احکام جدیدی آورده اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۲۵). طبرسی هم مراد از حرمت را کتمان صفات پیامبر می داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۴). کتمان نیز تنها می تواند از طرف عالمانی صورت بگیرد که از حقیقت آگاه هستند.

ی) فسق «الذین اوتوا الكتاب»: خداوند در آیه ۱۶ سورة حدید مؤمنان را نهی می کند تا مانند اهل کتابی نباشند که چون زمانی طولانی بر آنها گذشت، دل هایشان سخت شد. در معنای فسق اهل کتاب، مفسران به تحریف «الذین اوتوا الكتاب» و تغییر احکام دین و فساد آنها اشاره کرده اند (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۴۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۵۴).

ک) «اوتوا نصیباً من الكتاب»: استعمال این اصطلاح نسبت به اصطلاح «الذین اوتوا الكتاب» شدیدتر و همراه با لحن تندتری است؛ زیرا گویی با نوعی بی اعتنائی در صدد معرفی کسانی است که تنها بهرلاً اندکی از علم به حقیقت کتاب به آنها داده شده است. آیه ۲۳ سورة آل عمران به حکمیت کتاب خدا در میان اهل کتاب اشاره می کند که آنها از آن روی برگرداندند. آیه ۵۳ سورة نساء به ایمان آنها به طاغوت اشاره می کند. آیه ۴۴ سورة نساء از آنها به عنوان گمراهانی یاد می کند که نه تنها گمراهی را می خرنند، بلکه گمراه می کنند. آیه ۳۷ سورة اعراف نیز آنها را گروهی معرفی می کند که برخدا دروغ می بندند و آیتش را تکذیب می کنند.

با توجه به آنچه گذشت، می توان خصوصیات «الذین اوتوا الكتاب» را به این صورت خلاصه کرد. در بیشتر آیات، مراد از «الذین اوتوا الكتاب» علما و بزرگان اهل کتاب بودند. مهم ترین دلیل این برداشت آن است که خداوند از آنها میثاق گرفت تا حقایق را بیان کنند، اما آنها به این وعده وفا نکردند. دلیل دیگر، هم نشینی این عنوان با دو کلیدواژه «علم و کتمان» است. از آنجاکه تنها عده معدودی (علمای اهل کتاب) به حقایق تورات و انجیل علم داشتند و می توانستند آن را کتمان کنند، می توان گفت منظور از این گروه، همان بزرگان اهل کتاب است. بارزترین خصیصه ایشان آن بود که به نشانه های پیامبر و کتابش علم و آگاهی داشتند، ولی آن را کتمان و از هم کیشان خود پنهان کردند. همچنین در میانشان اختلاف و تفرقه مشاهده می شود و علاوه بر آزار و تمسخر مسلمانان، سعی در برگرداندن آنها از دینشان دارند. تفاوت «اهل الكتاب» و «الذین اوتوا الكتاب» این است که خداوند در چند آیه، گروه دوم را به اسلام و ایمان و تقوا فرامی خواند، در حالی که در مورد اهل کتاب چنین آیاتی وجود ندارد؛ شاید به این دلیل که تا زمانی که «اوتوا الكتاب»، یعنی بزرگان اهل کتاب ایمان نیاورند، عموم پیروان آنها نیز ایمان نمی آورند.

با توجه به کاربردهای دیگر این تعبیر می توان در مجموع چنین بیان داشت که «الذین اوتوا الكتاب» عمدتاً در آیات کاربرد منفی دارد و برخلاف «اهل الكتاب» که شامل عوام و خواص می شد، تنها شامل خواص است که معمولاً همه یا برخی از ایشان در لسان آیات مذموم هستند. واکنش آیات قرآن نسبت به «الذین اوتوا الكتاب»، به استثنای آیاتی در سورة مائده که به حلیت طعام و ازدواج با محصنات آنها اشاره دارد و آیه ۳۱ مدثر که به یقین آنها می پردازد و مبین نظر مثبت قرآن نسبت به آنهاست، عمدتاً رویکردی منفی ارزیابی می شود.

۲-۲-۳. استعمال «الذین أوتوا الكتاب» در سیر نزول

در سور مکی عنوان «الذین أوتوا الكتاب» تنها در سوره مدثر به کار رفته و دیگر استعمالات آن مربوط به سور مدنی است. مراد از «الذین أوتوا الكتاب» در این سوره، اهل کتاب غیر مکی هستند که به دلایلی از جمله ایام حج به مکه وارد و در معرض آیات قرآن قرار گرفتند (برای مطالعه بیشتر نک: [آقادیوسی و دیگران، ۱۴۰۳، ص ۷۳-۷۴](#)). می‌توان چنین فرض کرد که هرگاه خداوند می‌خواهد با اهل کتاب غیر مکی سخن بگوید، آن‌ها را با این عنوان خطاب می‌کند. بنابراین مراد از این گروه جماعتی غیر مکی هستند. مفسران نیز برای حضور «أوتوا الكتاب» در سوره مکی مدثر سه توجیه می‌آورند: نخست، اهل کتابی که برای تجارت به مکه آمده بودند؛ دوم، اهل کتاب ساکن مدینه که مشرکان با آن‌ها در رفت‌وآمد و تعامل بودند؛ سوم اهل کتابی که سال‌ها بعد از نزول این آیات، از انصار مدینه در مورد تعداد فرشتگان دوزخ سؤال کردند ([ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۲۹۳-۲۹۴](#)).

۲-۳. اهل کتاب

فراوانی کاربرد این عبارت، در مقایسه با دو عبارت پیشین بیشتر است.

۱-۲-۳. هم‌نشین‌های «اهل کتاب» در قرآن

«اهل» در قرآن در کنار کلمات متعددی به کار رفته است که آن را در یکی از این پنج دسته معنایی قرار می‌دهد:

۱. جماعت بزرگ، مانند «اهل یثرب» (احزاب: ۱۳)، «اهل القری» (اعراف: ۹۶)، «اهل مدین» (طه: ۴۰)، «اهل النار» (ص: ۶۴)؛
۲. جماعت کوچک، مانند «اهل البیت» (احزاب: ۳۳)؛
۳. کسانی که نسبت به چیزی علم دارند، مانند: «اهل الذکر» (نحل: ۴۳)، «اهل کتاب» (بینه: ۶)، «اهل الإنجیل» (مانده: ۴۷)؛
۴. کسی که شایستگی چیزی را داشته باشد، مانند: «اهل التقوی و اهل المغفرة» (مدثر: ۵۶)؛
۵. در اضافه به ضمیر، به معنای خانواده و صاحب و سرنشین (هود: ۴۰؛ طه: ۱۳۲؛ کهف: ۷۱؛ نساء: ۵۸).

۲-۲-۳. طبقه اجتماعی «اهل کتاب»

ترکیب «اهل کتاب» بیش از سی بار در قرآن به کار رفته و هر آیه گاه به تمجید و گاه به تمبیح آن‌ها اشاره کرده است. ویژگی‌های این گروه را می‌توان از اشارات آیات و قرائن موجود در هر سوره استنباط کرد. در زیر با توجه به سیاق آیات و دیدگاه مفسران به این ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) طبقات مختلف «اهل کتاب»: طبق برخی آیات، «اهل کتاب» شامل دو گروه مؤمن و کافر یا فاسقند و تأکید بر کثرت فسق آن‌ها در آیات ملاحظه می‌شود (آل‌عمران: ۱۱۰؛ مانده: ۵۹). طبق نظر فخر رازی، این گروه در طلب ریاست امور دنیا هر کاری انجام می‌دهند؛ لذا فاسقند، نه عادل ([فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۳۹۰](#)). در دسته‌بندی دیگر، آن‌ها به دو گروه امانت‌دار و خائن تقسیم می‌شوند که در حفظ امانت متفاوت عمل می‌کنند (آل‌عمران: ۷۵). مؤمنان «اهل کتاب» به تلاوت آیات الهی در دل شب می‌پردازند (آل‌عمران: ۱۱۳)، به خدا و آنچه بر مسلمانان نازل شده ایمان دارند و در برابر خداوند خاشعند و آیات الهی را به بهای کم نمی‌فروشند (آل‌عمران: ۱۹۹). مفسران در برابر این آیات به دو شیوه عمل کرده‌اند؛ برخی مصداق آن‌ها را افرادی همچون عبدالله بن سلام می‌دانند ([ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۹۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۲۲؛ واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۴۴](#)) و برخی مراد آیه را عام و شامل همه مؤمنان اهل کتاب می‌شمارند ([قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۳۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۹۱۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۴۹](#)). در برخی از آیات نیز اهل کتاب به کفر توصیف و به خاطر آن توبیخ می‌شوند: (آل‌عمران: ۷۰ و ۹۸). برخی از مفسران مراد از اهل کتاب

را در این آیه علما و بزرگان و برخی نیز کل یهود می‌دانند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۰۷). کافران اهل کتاب، برای مؤمنان خیر نمی‌خواهند و در کنار مشرکان قرار گرفته‌اند (بقره: ۱۰۵). آیات ۱ و ۶ سوره بینه تصریح می‌کند که کافران اهل کتاب پس از آمدن بینه و نشانه روشن به اختلاف پرداختند و جایگاه ابدی آن‌ها آتش جهنم است. مراد از اهل کتاب در این آیه کسانی هستند که با وجود علم به صفات پیامبر و صحت رسالتش او را انکار کردند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۴۳۰). فخر رازی استعمال اهل کتاب در این آیه را دال بر عالم بودن آن‌ها عنوان می‌کند که به خاطر داشتن علم، قبح کفرشان بیشتر می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۲۳۷). همچنین آیه ۲ و ۱۱ سوره حشر نیز به کافران اهل کتاب اشاره می‌کند. در دیگر آیات، آن‌ها نسبت به مسلمانان حسادت می‌ورزند (بقره: ۱۰۹؛ آل عمران: ۶۹). از نظر برخی مفسران، این گروه احبار (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۵۶) یا گروهی از متعصبان یهود مانند حیی بن اخطب و اطرافیان‌ش هستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۵۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۵۷).

ب) علم، تکذیب و کتمان «اهل الكتاب»: یکی از ویژگی‌های «اهل الكتاب» آن است که آنچه در کتاب آمده است، پنهان می‌کردند (مانده: ۱۵). این ویژگی نمی‌تواند با عامه اهل کتاب مرتبط باشد؛ زیرا تنها گروه و طبقه خاصی از آن‌ها به «کتاب مقدس» خود دسترسی داشتند و می‌توانستند محتوای آن را بخوانند و سپس پنهانش کنند. در این آیه بنا بر نظر مفسران، آنچه «اهل الكتاب» سعی در مخفی کردن آن داشتند، حکم زنا و رجم بود (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۶۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۱۷؛ طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۷۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۱۱۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۷۰). از آنجاکه اغلب، علما به کتمان احکام می‌پردازند، می‌تواند در این آیه مراد از اهل کتاب علمای آن‌ها باشد. آیه دیگری نیز اشاره می‌کند که گروهی از «اهل الكتاب» با وجود عالم بودن، تکذیب می‌کنند (آل عمران: ۷۵). در آیه دیگر، این گروه به دلیل التباس حق و باطل و کتمان حق آن‌ها با وجود علم توبیخ می‌شوند (آل عمران: ۷۱). برخی از مفسران مراد از اهل کتاب را در دو آیه ۷۰ و ۷۱ سوره آل عمران علمای یهود و نصارا می‌دانند؛ زیرا اولاً حرفه این گروه کفر به محمد بود و با وجود علم به حقانیت او در ایجاد شبهه و کتمان دلایل و بینات تلاش می‌کردند؛ ثانیاً کتمان تنها می‌توانست از جانب گروه کمی شکل بگیرد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۵۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۷۲؛ مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۳۰). این کتمان می‌توانست در تصدیق نکردن نبوت پیامبر یا کتمان احکام تورات باشد که احبار اهل کتاب با وجود آگاهی از آن تحریفش کردند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۲۶). از سوی دیگر و به قرینه لفظ «یعلمون» می‌توان ادعا کرد که منظور از این گروه از اهل کتاب، علما و احبار آن‌ها بودند که به نبوت پیامبر علم داشتند، اما آن‌ها را کتمان کردند. دو قرینه «علم» و «کتمان» هر دو به عمل بزرگان اهل کتاب اشاره دارد، نه مردم عادی آن‌ها.

ج) گمراه کردن مسلمانان: خدعه و نیرنگ اهل کتاب یکی دیگر از ویژگی‌های آن‌هاست که در مواجهه با مسلمانان و برای مایوس کردن آن‌ها از دینشان به کار می‌بردند و از هم‌کیشان خود می‌خواستند به دین مسلمانان درآیند و سپس به سرعت از آن روی برگردانند تا باعث ضعف و تشکیک در مسلمانان شوند (آل عمران: ۷۲ و ۷۳). مفسران مراد از اهل کتاب در این آیه را علمای یهود از جمله کعب بن اشرف می‌دانند که خود را صاحب علم و حکمت می‌دانست (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۷۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۹۲). برخی نیز علاوه بر این احتمال، رؤسای یهود و نصارا را به عنوان احتمال دیگر مطرح کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۵۸) و گروهی دیگر مراد از آیه ۷۳ سوره آل عمران را سخن رؤسای قوم به زیردستان می‌دانند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۱۱۲). در آیه ۶۹ همین سوره نیز آمده است که: طایفه‌ای از آن‌ها دوست دارند شما را مثل خودشان گمراه کنند. این طایفه می‌تواند احبار اهل کتاب باشند که هدفشان گمراهی مسلمانان بود. همچنین آیه ۱۰۹ به آرزوی بسیاری از آن‌ها در

کافر شدن مسلمانان اشاره می‌کند. آیه ۹۹ به «صدّ سبیل» این گروه و تلاش برای انحراف مسلمانان اشاره دارد. در این آیه خداوند علمای عارف اهل کتاب را که نزد قوم خود عادل و موثق به شمار می‌رفتند، خطاب قرار می‌دهد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۷۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۳۲؛ مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۸۱). مراد از اهل کتاب، یهود یا گروهی از یهود هستند. با توجه به عبارت «وأنتم شهداء» می‌توان گفت چه بسا منظور احبار یهود باشند که در بین مردم خود قابل اعتماد بودند و مردم در امور مهم بر شهادت آن‌ها تکیه می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۶۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۰۸).

د) جدال بر سر ابراهیم: ویژگی بعدی اهل کتاب احتجاج آن‌ها به ابراهیم است که او را یهودی یا نصرانی می‌دانستند (آل عمران: ۶۵). شیخ طوسی مراد از اهل کتاب در این آیه را احبار و علمای یهود و نصارا می‌داند (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۴۹۱).
ه) درخواست‌های غیر معقول: یکی دیگر از خصایص «اهل الکتاب» آن است که از پیامبر اکرم (ص) درخواست نزول کتابی از آسمان داشتند (نساء: ۱۵۳). این‌ها همان‌هایی هستند که پیش از این نیز از موسی تقاضای رؤیت خداوند را داشتند.

و) غلو: اهل الکتاب به خاطر غلو و سخنان افراطی در مورد عیسی (ع) در آیات قرآن توییح شده‌اند (نساء: ۱۷۱). این گروه در آیه دیگری نیز به دلیل غلو در مورد انبیا و احبار و راهبان خود که آن‌ها را تا مقام ربوبیت بالا می‌بردند و نیز به دلیل گمراه شدن توسط قومی دیگر سرزنش می‌شوند (مائده: ۷۷). در آیه اخیر می‌تواند مقصود از اهل کتاب، عامه مردم باشند که توسط گروه دیگری گمراه شدند. در واقع، پیشوایان اهل کتاب عامل گمراهی بسیاری از قوم خود شدند؛ لذا این آیه از عموم اهل کتاب می‌خواهد موافق و تابع امیال باطل این پیشوایان نشوند؛ زیرا آن‌ها بسیاری از پیروانشان را با بدعت‌های خود گمراه می‌کنند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۷۵).

ز) برپایی تورات و انجیل: اقامه تورات و انجیل، در دو آیه از اهل کتاب مطالبه شده است (مائده: ۶۶ و ۶۸). اگر «اقامه» به معنای تصدیق باشد و اینکه احکام را نصب العین خود قرار دهند (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۵۸۵)، این خطاب می‌تواند عام باشد و اگر به معنای تحریف نکردن و تغییر ندادن باشد (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۵۸۵)، خاص و متوجه احبار است.

ح) دستور به جدال احسن با «اهل الکتاب»: آیات ۴۶ بعد سورة عنکبوت به اهل کتاب اشاره دارد و به مسلمانانی که قصد هجرت به یثرب دارند، توصیه‌هایی می‌کند و نحوه رفتار با ساکنان شهری را که به تازگی به آن وارد می‌شوند، بدان‌ها می‌آموزد. خداوند در قالب این آیات به مسلمانان یادآور می‌شود که با اهل کتاب مجادله نکنند و در برابر سخنانی که به آن علم ندارند، تنها بگویند: ما به آنچه بر شما و بر ما نازل شده است، ایمان داریم. مسلمانان باید بدانند گروه‌هایی از این یهودیان به قرآن و پیامبر اکرم ﷺ ایمان دارند، اما در برابر، گروه معاند و مخالف نیز در میان آن‌ها وجود دارد؛ ولی شیوه برخورد همان است که خداوند امر کرده است. بخاری در مورد آیه «وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْنَا» (عنکبوت: ۴۶) از ابوهریره نقل کرده است که اهل کتاب تورات را به عبرانی می‌خواندند و برای مسلمانان به عربی تفسیر می‌کردند. پیامبر ﷺ فرمود: اهل کتاب را نه تصدیق کنید و نه تکذیب، بلکه تنها بگویید به آنچه بر شما و ما نازل شده است، ایمان آوردیم (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۳، ص ۳۵۱). برخی از مفسران مراد از اهل کتاب در این آیه را مؤمنان آن‌ها، مانند عبدالله بن سلام، می‌دانند (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۳۵). برخی نیز یهود و نصارا (یا فقط یهود) یا حتی مجوس و صابنان را مصداق اهل کتاب در این آیه می‌دانند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۳۸؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۸۱).

در این قسمت، به ویژگی‌های اهل کتاب اشاره کردیم که به طور مختصر عبارت است از اینکه: در میان اهل کتاب گروهی مؤمن و گروهی فاسقند که به شهادت آیات قرآن، آن‌ها اکثریت فاسقان هستند (بقره: ۱۰۹). خداوند در تعدادی از آیات قرآن، از اهل کتاب با عنوان

«کافران اهل کتاب» نام می‌برد. آن‌ها نسبت به مسلمانان حسادت ورزیدند و همواره در تلاش بودند آن‌ها را گمراه کنند تا بتوانند ایشان را از دین خود منصرف نمایند. مهم‌ترین خصلت آن‌ها این بود که حقیقت موجود در کتاب‌هایشان در مورد قرآن و پیامبر اکرم ﷺ را کتمان کردند و سعی در آمیختن حق و باطل به هم داشتند. این گروه هم خود گمراه بودند و هم از گمراهان تبعیت می‌کردند. غلو (درباره نصارا) و بهانه‌تراشی (در مورد یهود) از بارزترین ویژگی‌های اهل کتاب است که در خلال آیات بدان‌ها اشاره شده است. در این میان از گروهی از اهل کتاب نیز تقدیر شده که معمولاً با «من» بعضیه همراه است و دال بر اندک بودن تعداد آن‌ها می‌کند (آل عمران: ۷۵، ۱۱۳، ۱۹۹).

نکته شایان ذکر آن است که می‌توان اهل کتاب را در دو گروه کلی جای داد: یکی عموم اهل کتاب که شامل مردم عادی هستند و راهی جز تبعیت از احبار و علمای خود ندارند و کورکورانه با پرستش آن‌ها، از ایشان اطاعت می‌کنند؛ گروه دوم خواص اهل کتاب که سه گروه علما، رؤسا و اشراف را در بر می‌گیرد. این گروه گاه برای منافع شخصی خود دست به کارشکنی علیه مسلمانان می‌زنند، گاه به منظور تقبیح چهره اسلام و بازداشتن مسلمانان از دین خود، سعی در ایجاد تفرقه یا تردید در میان آن‌ها می‌کنند و گاه با کتمان حق و نقض میثاقی که خدا از آن‌ها گرفته است، می‌کوشند حقیقت را از مردم پنهان دارند تا شاهد پیروزی اسلام نباشند. آنچه تعیین می‌کند مراد از اهل کتاب کدام گروه از این دو باشد، سیاق آیه و قرائن درون‌متنی است. لذا آیاتی که اهل کتاب با قرینه علم و کتمان حق همراه است، به علمای اهل کتاب اشاره دارد که حقیقت را از دیگران مکتوم می‌دارند و آیاتی که به تبعیت از گمراهان و اتخاذ احبار به عنوان آلهه و ارباب اشاره دارد، عامه مردم را در نظر دارد. می‌توان تقسیم‌بندی دیگری نیز از اهل کتاب داشت و آن اینکه گروه بزرگی از آن‌ها اهل فسق و کارشکنی هستند که در بسیاری از آیات مخاطب قرار گرفته‌اند و همان گروه علما و احبار هستند؛ گروه دوم که دسته کوچکتری از آن‌ها را تشکیل می‌دهند، اهل ایمان و تقویند و دعوت اسلام را لبیک گفته و به سوی آن روی آورده‌اند.

۳-۲-۳. استعمال «اهل الکتاب» در سیر نزول

«اهل الکتاب» تنها یک مرتبه در سوره مکی عنکبوت استعمال شده و دیگر استعمالات آن مرتبط به دوران مدنی است. سوره عنکبوت به شهادت فهرست‌های نزول و سیاق آیات، در ماه‌های پایانی حضور پیامبر ﷺ در مکه نازل شد. کلیدواژگان جهاد و نفاق که برای نخستین بار در این سوره مطرح شده و نیز اشاره به وسیع بودن زمین به منظور هجرت، همگی حاکی از فضایی است که گروهی قصد هجرت دارند و گروهی به دلیل ترس و تردید، ظاهراً در کنار مسلمانان هستند، ولی درحقیقت نسبت به هدف آن‌ها و باری خداوند تردید دارند و آزار مشرکان آن‌ها را در ورطه شک و دودلی انداخته است. خداوند این عده را «منافق» خوانده و توبیخ کرده است. اشاره به جهاد در آیات ابتدایی و پایانی این سوره می‌تواند به معنای صدور اذن الهی در رویارویی با مشرکانی باشد که قصد ممانعت از خروج مسلمانان را داشتند. بنابراین، اجتماع مفاهیم جهاد و نفاق و هجرت، متناسب با شرایط آخرین سال حضور پیامبر ﷺ در مکه است و استعمال این مفاهیم نمی‌تواند آیات حاوی آن‌ها را از سیاق سوره جدا کند و موجب شود آن‌ها را مدنی تلقی کنیم (برای مطالعه بیشتر در مورد فضای این سوره و تاریخ‌گذاری آن، نک: [آقادوستی و دیگران، ۱۴۰۳، صص ۳۵۵-۳۵۱](#)).

هرچند در سوره مکی عنکبوت عبارت «اهل الکتاب» به کار رفته است، نمی‌توان آن را دلیلی بر مخاطب بودن این گروه در آن دانست. آنچه بیش از هر چیز محتمل به نظر می‌رسد آن است که خداوند به مسلمانانی که قصد هجرت به مدینه دارند، اوامری در مورد نحوه تعامل با یهود مدینه ارائه کرده است ([آقادوستی و دیگران، ۱۴۰۳، صص ۳۵۵-۳۵۱](#)). ابن‌عاشور نیز مدعی است آیاتی که به مجادله با اهل کتاب اشاره دارد، مقدمه‌ای برای حوادثی است که پس از هجرت رخ می‌دهد؛ زیرا مجادله با اهل کتاب، در مکه برای پیامبر ﷺ و مؤمنان پیش نیامده بود ([ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰، ص ۱۸۱](#)). می‌توان هم‌رأی با ابن‌عاشور، آیات مرتبط با این گروه را توصیه‌هایی

در مورد اهل کتاب غیر مکی دانست. بنابراین و با توجه به کاربرد یگانه این عبارت در سور مکی می‌توان گفت، با توجه به اینکه اهل کتاب مدینه با این عنوان خوانده می‌شدند، در این سوره نیز خداوند برای نهی مسلمانان از جدال با اهل کتاب، آن‌ها را با همان عنوان معرفی می‌کند؛ گویی این عنوان شناسه اهل کتاب مدنی یا اهل کتابی است که در مدینه حاضر بودند.

۳. تحلیل اختلاف معنایی «اهل کتاب»، «الذین اوتوا الكتاب» و «الذین آتیناهم الكتاب»

تا حد بررسی نگارنده، مفسران عمدتاً به تفاوت معنایی این سه عبارت اشاره نکرده و هر سه عبارت را معمولاً به معنای اهل کتاب آورده‌اند. ایشان برای این سه تعبیر تنها مصادیقی از جمله یهود، نصاری، علما و احبار اهل کتاب یا امّیین اهل کتاب آورده‌اند، اما اختلاف آن‌ها بررسی نشده است.

با توجه به تحلیل آیات حاوی این عبارات، مراد از این سه گروه در چند حوزه قابل بررسی است: حوزه استعمالی این سه واژه، مصداق اهل کتاب و طبقه اجتماعی اهل کتاب. همان‌طور که پیشتر گذشت، مصادیق این عبارات با توجه به اختلاف دیدگاه مفسران قابل مرزبندی دقیقی نیست و نمی‌توان مراد از هر عبارت را فقط یهودیان یا نصارا دانست؛ بلکه در بسیاری از آیات این مصادیق با یکدیگر خلط شده است. با کمک تحلیل گفتمان و فضای هر سوره و تحلیل معنایی آیات، دو حوزه دیگر می‌تواند نتایج قابل توجهی به همراه داشته باشد.

۱-۳. بررسی حوزه استعمالی این سه عبارت با تکیه بر سیر و فضای نزول

در یک تحلیل آماری از کاربرد این سه عبارت در قرآن می‌توان گفت: «الذین آتیناهم الكتاب» در ۷۳ درصد موارد در سوره‌های مکی استفاده شده است و در این موارد، به شهادت آن‌ها در تأیید حقانیت اسلام استناد می‌شود. «اهل کتاب» و «الذین اوتوا الكتاب» در ۹۵ درصد موارد در سوره‌های مدنی به کار رفته است و می‌تواند منعکس‌کننده تغییر در روابط بین مسلمانان و پیروان ادیان دیگر پس از هجرت باشد.

قرآن هر جا قصد دارد از مخاطب اهل کتاب خود برای استشهاد بر حقانیت قرآن و پیامبر ﷺ استفاده کند، از تعبیر «آتینا الكتاب» استفاده می‌کند. این عبارت معلوم است و گویی نوعی احترام برای طرف مقابل قائل شده است؛ همچنین خداوند خود را اعطاکننده کتاب معرفی و به مخاطب گوشزد می‌کند که: «ما پیشتر هم به این گروه کتاب دادیم» و بر این «ما» تأکید دارد. کاربرد این عبارت در آیات مکی بدان خاطر است که پیامبر ﷺ در مکه نیاز به شاهدانی دارد که بر حقانیتش شهادت دهند؛ چون اسلام در ابتدای راه است و بهترین شاهدان اهل کتاب هستند که در کتبتشان به این مسئله بشارت داده و از آنجاکه مرجع جامعه عرب هستند، مشرکان هم به آن‌ها اعتماد دارند (مهروش، ۱۳۹۹، [مدخل بنی اسرائیل](#)). پس اولاً باید روابط با اهل کتاب مثبت باشد و به این سبب از عبارت «آتینا الكتاب» استفاده می‌کند که نوعی تجلیل مخاطب در آن نهفته است؛ ثانیاً غالب این آیات رویکرد مثبت و ستایش‌گونه نسبت به اهل کتاب دارد. در سوره بقره هم چون پیامبر ﷺ به تازگی وارد مکه شده و هنوز اهل کتاب بر علیه او اقدام جدی نکرده‌اند، همچنین آن حضرت طالب دعوت یهودیان یترب و جذب آن‌هاست، باز هم این عبارت فخیم می‌آید. اما بعد از آن، کم‌کم و به تناسب اقدامات و واکنش‌های یهود و دیگر اهل کتاب، عبارات و لحن آیات تغییر می‌کند. «آتینا الكتاب» جای خود را به «اوتوا الكتاب» می‌دهد تا بار مثبت و تجلیلی را از این عبارت بگیرد؛ زیرا در «اوتوا الكتاب» نوعی بی‌توجهی و بی‌اعتنایی به مخاطب دیده می‌شود (نک: «آتینا» و کاربردهای آن در قرآن در همین مقاله). «اهل کتاب» نیز در این دوران رواج می‌یابد؛ چون در میان این «اوتوا الكتاب» گروهی بودند که با وجود کم بودن

تعدادشان، خداوند از آن‌ها تجلیل می‌کند. خداوند این کم بودن را بارها با کلمه «منهم» نشان می‌دهد و بر کثرت فاسقان آن‌ها تأکید می‌نماید.

عبارت «اهل الكتاب» و «الذين اوتوا الكتاب» تقریباً در سراسر این دوره ملاحظه می‌شود. این مسئله به معنای حضور مستمر و همیشگی اهل کتاب در مدینه و تعامل آن‌ها با مسلمانان در قالب جنگ یا صلح یا اعزام هیئت‌های مختلف از مناطق دیگر به مدینه است. اما در حدود سال‌های ۶ و ۷ هجری، حضور اهل کتاب در آیات و سوره‌ها ملاحظه نمی‌شود و در سوره‌هایی مانند نور و منافقون و فتح که در این فاصله زمانی نازل شده، نامی از اهل کتاب به میان نیامده است. چه‌بسا علت آن به حوادثی برگردد که اهل کتاب در آن نقشی نداشتند؛ مانند غزوة بنی المصطلق و حوادث پس از آن، مثل ماجرای افک و نزول سوره نور، یا صلح حدیبیه. بنابراین فضای نزول هر سوره ارتباط مستقیمی در خطاب اهل کتاب با هریک از عبارات «اهل الكتاب»، «الذين اوتوا الكتاب» و «الذين آتيناهم الكتاب» دارد.

۲-۳. بررسی جایگاه اجتماعی اهل کتاب با تکیه بر مؤلفه‌های معنایی

همنشین‌های «الذين آتيناهم الكتاب» چند کلیدواژه مهم «علم، معرفت، ایمان و تلاوت» است. خداوند به مخاطبان خود مرتباً یادآوری می‌کند که کتاب یا پیامبری که شما تکذیبش می‌کنید و به آن ایمان نمی‌آورید، برای «الذين آتيناهم الكتاب» شناخته شده است. این گروه به آن ایمان دارند، حقانیت را می‌دانند، آن را می‌شناسند و آیتش را تلاوت می‌کنند. این گروه همان کسانی هستند که به آن‌ها حکم و کتاب و نبوت هم داده شد. وقتی این چنین به علم و معرفت و ایمان اهل کتاب نسبت به حقانیت قرآن و پیامبر استناد می‌شود، بدان معناست که از سویی خداوند به دنبال اقرار گرفتن از اهل کتاب است و از سوی دیگر قصد دارد این جماعت را به عنوان شاهدانی معرفی کند که بر حقانیت قرآن و پیامبر شهادت دهند؛ اما در غیر این موارد، از دو عبارت دیگر («اوتوا الكتاب» و «اهل الكتاب») استفاده می‌کند. به همین دلیل در سوره ابتدایی (مدرثر) و پایانی مکی (عنکبوت)، دو عبارت «اهل الكتاب» و «اوتوا الكتاب» دیده می‌شود؛ چون در این دو موضع خداوند به دنبال اقرار یا شهادت آن‌ها نیست، بلکه در مورد اول قصد دارد بر یقین آن‌ها بیفزاید و در مورد دوم مسلمانان را به ارتباط و جدال احسن با آن‌ها دعوت می‌کند. علت اینکه به جای «آتينا الكتاب» و «اوتوا الكتاب» از «اهل الكتاب» استفاده می‌کند آن است که عبارت اخیر عام‌تر و شامل هر دو گروه مؤمنان و فاسقان اهل کتاب است.

در یک طبقه‌بندی از اهل کتاب، می‌توان گفت این گروه از نظر جایگاه اجتماعی در دو طیف احبار و ائمتین شناسایی می‌شوند. طیف نخست، از آیاتی استنباط می‌شوند که در آن به علم اهل کتاب و کتمان حقیقت اشاره دارد (به عنوان نمونه نک: [ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۹۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۲۲؛ واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۴۴](#)) و با خصوصیاتی ذکر شده‌اند که از آن جمله، گمراه کردن عموم، کتمان حق، التباس حق و باطل، مأمور شدن به اقامه تورات و انجیل، احتجاج در مورد ابراهیم و اختلاف بعد از آمدن بیته است و با کلیدواژه‌هایی چون «علم، کتمان، اضلال و اقامه کتاب» هم‌نشین هستند. گروه دوم مردم عادی را دربرمی‌گیرد (به عنوان نمونه نک: [قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۴، ص ۳۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۲، ص ۹۱۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۴۹](#)) و این موضوع از آیاتی برداشت می‌شود که به نهی این گروه از تبعیت بزرگانشان و اتخاذ آن‌ها به عنوان خدا اشاره کرده است و با صفاتی همچون حسادت، کارشکنی، بهانه‌تراشی و غلو مطرح می‌شوند. طیف اول در هر سه عبارت دیده می‌شوند. «الذين آتيناهم الكتاب» گروهی از بزرگان و شایستگان اهل کتابند که از نزول قرآن بر پیامبر خوشحالند و به حقانیت آن علم و معرفت دارند (به عنوان نمونه نک: [ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۴؛ نسفی، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۴۴؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۵۳](#) ذیل انعام: ۱۱۴). آن‌ها بدون لجاجت و سرسختی، پیامبر اکرم ﷺ را تصدیق کردند و

بدو ایمان آوردند. خداوند برای این گروه عبارت «الذین آتیناهم الکتاب» را به کار برده که تنها برای پیامبران و انبیا استعمال شده است. این کاربرد بیانگر جایگاه عظیم این افراد است؛ چه، ایشان خود به پذیرش کتاب و حکمت تمایل داشتند.

«الذین أوتوا الکتاب» گروهی دیگر از علمای اهل کتاب هستند که چهره خوشی در میان آیات ندارند و از نظر مرتبت، پایین تر از دسته اول قرار می گیرند و خداوند عمدتاً به نکوهش آن‌ها می پردازد. ایشان با وجود علم به نبوت پیامبر ﷺ، آن را کتمان و تکذیب نمودند و بعد از آمدن بینات با هم اختلاف پیدا کردند و متفرق شدند (به عنوان نمونه نک: [فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۶۱۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۳۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۳۰](#) ذیل بقره: ۱۰۱). این گروه به آزار مسلمانان پرداختند و به میثاق خود با پروردگار مبنی بر بیان دین برای مردم و عدم کتمانش پایبند نبودند. خداوند مسلمانان را از دوستی با آن‌ها برحذر داشته و آن‌ها را به تقوا توصیه و به اسلام و ایمان به پیامبر ﷺ دعوت کرده است. برخی مصادیق تنها برای «الذین أوتوا الکتاب» یا «الذین آتیناهم الکتاب» به کار رفته و بیانگر آن است که این الفاظ تنها منحصر به علما و بزرگان است، نه عموم مردم. مثلاً اخذ «میثاق» تنها از «الذین أوتوا الکتاب» مطرح است؛ زیرا میثاق و پیمان همیشه از بزرگ قوم اخذ می شود و آن‌ها متعهد می شوند که پیروان خود را به راه درست رهنمون گردند. همچنین دعوت به ایمان و هدایت و تسلیم در برابر دین حق، تنها برای «الذین أوتوا الکتاب» دیده می شود؛ زیرا اهل کتاب عموم مردم را نیز شامل می شود و دعوت بزرگان و رهبران یک قوم به ایمان و هدایت باعث هدایت مردمان آن قوم می گردد. مؤید این فرضیه اقوال تفسیری و روایی متعددی است که ذیل آیات بیان شد؛ علاوه بر آن، سیاق آیات و کلمات همنشینی که در ساختار آیات به کار رفته است نیز این نظر را تقویت می کند. خطاب «أهل الکتاب»، شامل هر دو طیف علما و ائمتین اهل کتاب است و مؤلفه‌های معنایی همنشین آن نیز بر آن تأکید می کند؛ از جمله تبعیت از بزرگان و اتخاذ آن‌ها به عنوان ارباب که در برخی از آیات در نکوهش «أهل الکتاب» آمده است.

در مجموع و در تحلیل معنایی هر یک از این عبارات با کمک روابط همنشینی، سیاق و دیگر کاربردهای آن در قرآن، می توان نتیجه گرفت که عبارت «آتیناهم الکتاب» با مؤلفه‌های معنایی مثبتی همچون «تصدیق حقیقت» و «ایمان» همراه است و غالباً در بافت‌های مربوط به تأیید نبوت پیامبر ﷺ استفاده شده است. «الذین أوتوا الکتاب» نیز از علمای اهل کتاب هستند و با مؤلفه‌های معنایی منفی مانند «کتمان حقیقت» و «فسق» همنشین شده‌اند. این عبارت اغلب در بافت‌های مربوط به نکوهش رفتارهای نادرست به کار رفته است. «أهل الکتاب» طیف وسیع تری از مؤلفه‌های معنایی مثبت تا منفی و بافت‌های متفاوت، از دعوت به وحدت تا هشدار درباره رفتارهای نامناسب را دربر می گیرد.

أهل الکتاب	الذین آتیناهم الکتاب	أوتوا الکتاب	
۴ آیه از ۳۱ آیه (تقریباً ۱۴ درصد) (تأکید به «من أهل الکتاب» در همه این آیات. یعنی هیچ آیه‌ای کل اهل کتاب را مدح نمی کند)	۵ آیه از ۸ آیه (۷۳ درصد)	-	رویکرد مثبت آیات (مدح و ستایش)
مدنی (به جز یک آیه مکی)	مکی (به جز دو آیه مدنی)	مدنی (به جز یک آیه مکی)	مکی و مدنی بودن آیات
هر دو گروه	غالباً علما	غالباً علما	علما یا ائمتین اهل کتاب
۳۱ مرتبه	۸ مرتبه	۱۸ مرتبه (با احتساب اضافه شدن به ضمیر و «آئینا نصیباً من الکتاب»)	کاربرد در قرآن

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد قرآن با استفاده دقیق و هدفمند از اصطلاحات مختلف برای اشاره به اهل کتاب، تصویری چندبعدی و پیچیده از روابط بین ادیانی در صدر اسلام ارائه می‌دهد. این تمایزات معنایی ظریف نه تنها به فهم دقیق‌تر متن قرآن کمک می‌کند، بلکه می‌تواند در مطالعات تاریخی و جامعه‌شناختی مربوط به تعاملات بین ادیانی در دوران شکل‌گیری اسلام نیز مفید باشد. بررسی مؤلفه‌های معنایی اصطلاحات «اهل الكتاب»، «الذین اوتوا الكتاب» و «الذین آتیناهم الكتاب» در قرآن برای کشف اختلاف معنایی میان آن‌ها، در دو حوزه قابل بررسی است:

نخست در حوزه اجتماعی که در آن می‌توان تعریف دقیق‌تری از این سه عبارت ارائه کرد. طبق این تعریف، «اهل الكتاب» تلفیقی از عموم پیروان ادیان توحیدی به اضافه احبار و بزرگان آن‌هاست که تعامل با آن‌ها به موازات واکنش آن‌ها در برابر آیات، از مثبت تا منفی در نوسان است. «اوتوا الكتاب» عمدتاً به علمای فاسق اهل کتاب اشاره دارد که با وجود میثاق با انبیای خود و علم و شناخت نسبت به پیامبر ﷺ و قرآن، به کتمان حقیقت آن‌ها پرداختند. در مرتبه بعدی «الذین آتیناهم الكتاب» قرار دارند. این تعبیر غالباً به علمای مؤمن اهل کتاب اشاره دارد که به تصدیق نبوت پیامبر ﷺ پرداختند.

دوم در حوزه استعمالی. کاربرد این سه عبارت در آیات مکی و مدنی متفاوت است. استعمال خاص «آتیناهم الكتاب» در آیات مکی حاکی از تعامل مثبت با این جماعت در دوران مکی و ابتدای ورود به مدینه، و استعمال دو عبارت دیگر در دوران مدنی مبین تعامل دوگانه مثبت و منفی با این اقلیت در مدینه است. علت تغییر روند تعامل آیات با این سه گروه را می‌توان بنابر موقعیت پیامبر و اسلام در دو شهر مکه و مدینه و نیز واکنش‌های این جماعت در برابر تبلیغات اسلام دانست. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که هر یک از این عبارات، با وجود شباهت ظاهری، به گروه‌های متفاوتی از اهل کتاب با ویژگی‌های خاص اشاره دارند و در بافت‌های متفاوتی در قرآن استفاده شده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

سپاسگزاری

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرات سازنده و علمی سپاسگزاری می‌شود.

قرآن کریم

- ابن هشام الحمیری. (بی تا). سیره ابن هشام. مکتبه عبدالرووف سعد.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). التحریر والتنویر. مؤسسة التاريخ العربي.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲). المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم. (محمد حسین شمس الدین، محقق). دار الکتب العلمیة.
- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک. (۱۳۵۵). السیره النبویة. مطبعه المصطفی البابی الحلبی وأولاده.
- ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰). البحر المحیط فی التفسیر. (محمد جمیل صدقی، محقق). دار الفکر.
- احمد نژاد، امیر؛ زهرا کلباسی. (۱۳۹۶). بررسی تفسیری سیر تعامل پیامبر اکرم با اهل کتاب. فصلنامه مطالعات تفسیری، ۸(۲۹)، ۱۹-۳۸.
- آقادیستی، الهام؛ و امیر احمد نژاد و رضا شکرانی. (۱۴۰۳). بازسازی تاریخی فضای تعامل پیامبر با اهل کتاب در مکه با تکیه بر آیات قرآن / پایان نامه دکتری منتشر نشده. دانشگاه اصفهان.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰). تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل. (عبد الرزاق مهدی، محقق). دار إحياء التراث العربي.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸). أنوار التنزیل وأسرار التأویل. دار إحياء التراث العربي.
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲). الكشف والبيان. (ابو محمد بن عاشور، محقق). دار إحياء التراث العربي.
- حویری، عدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین. اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المقردات فی غریب القرآن. (عدنان داودی، محقق). دار العلم.
- زَمْخْشَرِي، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). الكشف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل (مصطفی حسین احمد، مصحح). دارالکتب العربي.
- سلیمانی، عبدالرحیم. (۱۳۹۴). معیار شمول عنوان اهل کتاب در قرآن مجید. پژوهش های فقهی، ۱۱(۲)، ۴۱۲-۳۸۹.
- Doi:10.22059:JORR.2015.55619
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶). تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم. (عمر عمروی، محقق). دار الفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی). دار الکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (هاشم رسولی محلاتی، مصحح). ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (احمد حبیب عاملی، مصحح). دار إحياء التراث العربي.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر. دار إحياء التراث العربي.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر قمی (طیب موسوی جزایری، محقق). دار الکتب.
- کهن، ابراهام. (۱۳۸۲). گنجینه ای از تلمود. اساطیر.
- لطفی، سید مهدی؛ و میر سعیدی، سمانه. (۱۳۹۴). معنانشناسی واژه کتاب در قرآن بر پایه روابط هم نشینی. پژوهش های زبان شناختی قرآن، ۴(۲)، ۱۳۷-۱۵۸.
- مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.
- مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳). تفسیر مقاتل بن سلیمان (عبدالله محمود شحاته، محقق). دار إحياء التراث العربي.
- مهرش، فرهنگ. (۱۳۹۹). بنی اسرائیل، دائرة المعارف بزرگ اسلامی. مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- نسفی، عمر بن محمد. (۱۳۷۶). تفسیر نسفی (عزیز الله جوینی، مصحح). انتشارات سروش.
- واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۱). اسباب نزول القرآن. دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.


Semantic Differences among *Ahl al-Kitāb*, *alladhīna ūtū al-kitāb*, and *alladhīna ātaynāhum al-kitāb* in the Qur'an: A Semantic Inquiry and Chronological Analysis of Revelation

Elham Aghadoosti ¹  Mohammadreza Sotoudehnia ² 

1. PhD Graduate in Qur'anic and Hadīth Sciences, Faculty of Theology and 'Ahl al-Bayt Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
(Corresponding Author)

2. Associate Professor of Qur'anic and Hadīth Sciences, Faculty of Theology and 'Ahl al-Bayt Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Corresponding Email: e.aghadoosti@ahl.ui.ac.ir

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.513676.1450>

Introduction

The expressions *Ahl al-Kitāb*, *alladhīna ātaynāhum al-kitāb*, and *alladhīna ūtū al-kitāb* appear more frequently in reference to the People of the Book than other related designations, and their distribution across Makkan and Madinan revelations is far from uniform. In Makkan verses, this group is most often addressed as *alladhīna ātaynāhum al-kitāb*, whereas in Madinan passages they are more commonly referred to as *alladhīna ūtū al-kitāb* or *Ahl al-Kitāb*. The central question of this study is: What semantic distinctions exist among these three expressions in addressing the People of the Book, why are they used differently in the two phases of revelation, and how do these differences affect the interpretation of divine intent? Adopting a descriptive-analytical method, the author examines Qur'anic discourse, the semantic components of each term, and intertextual and contextual clues to uncover and explain these distinctions.

Methodology

The study investigates the differences among *Ahl al-Kitāb*, *alladhīna ātaynāhum al-kitāb*, and *alladhīna ūtū al-kitāb* by identifying the semantic components associated with each expression and examining the contextual indicators in the verses, together with exegetical opinions. First, the collocates accompanying each expression are analyzed; next, the "social categorization" embedded in these terms is discussed—that is, which groups among the People of the Book (scholars, lay followers, or both) are referenced by each expression. The third stage traces the chronological usage of the three terms across Makkan and Madinan revelation. Through analyzing these elements, the semantic differences among the expressions are extracted and the overall findings are presented.

Findings

The study demonstrates that the Qur'an employs these designations with precision and purpose, thereby constructing a multifaceted and nuanced depiction of interreligious relations in the formative period of Islam. These subtle semantic distinctions not only deepen our understanding of Qur'anic discourse but also contribute to historical and sociological analyses of Muslim–non-Muslim interactions in early Islam.



Conclusion

The semantic features of *Ahl al-Kitāb*, *alladhīna ūtū al-kitāb*, and *alladhīna ātaynāhum al-kitāb* reveal two main layers of difference:

1. Socio-religious Layer:

Based on Qur'anic usage, *Ahl al-Kitāb* refers broadly to adherents of monotheistic traditions, including both their religious elites and common followers, whose responses to revelation range from positive to negative. *Alladhīna ūtū al-kitāb* predominantly identifies the sinful or dishonest scholars of the People of the Book who, despite their covenant with their prophets and their knowledge of the Prophet Muḥammad and the Qur'an, concealed the truth. In contrast, *alladhīna ātaynāhum al-kitāb* usually refers to the believing scholars of the People of the Book who affirmed the Prophet's message.

2. Chronological / Contextual Layer:

The exclusive Makkan use of *alladhīna ātaynāhum al-kitāb* reflects the Qur'an's largely positive engagement with this group during the Makkan period and the early phase of the Prophet's arrival in Madinah. The appearance of the other two terms in Madinan verses corresponds to the more complex and dual (positive and negative) interactions with this minority after the establishment of the Muslim community. These patterns reflect both the Prophet's changing position in the two cities and the varying responses of the People of the Book to the Islamic message.

Overall, the findings confirm that despite their apparent similarity, each expression denotes a distinct subgroup within the People of the Book and appears in specific Qur'anic contexts that highlight different dimensions of their engagement with revelation.

Keywords

Ahl al-Kitāb, *alladhīna ūtū al-kitāb*, *alladhīna ātaynāhum al-kitāb*, Qur'an, semantics.

Ethical Considerations

Compliance with research ethics. The authors observed the ethical principles in conducting and publishing this scholarly research, and this is confirmed by all of them.

Conflict of interest

The authors declare that they have no conflict of interest.

Funding statement

The authors declare that no funds, grants, or other support were received during the preparation of this manuscript.

References

The Holy Quran.

Abū Hayyān, M. (1999). *Al-baḥr al-muḥīṭ fī al-tafsīr* (Ed. M. J. Şidqī). Dār al-Fikr. [In Arabic].

Aghadoosti, E., Ahmadnejad, A., & Shukrani, R. (2024). *Historical reconstruction of the Prophet's interaction with the People of the Book in Mecca based on Qur'anic verses* [Unpublished doctoral dissertation]. University of Isfahan. [In Persian].

[Ahmadnejad, A., & Kalbasi, Z. \(2017\). An exegetical study of the Prophet's interaction with the People of the Book. *Tafsīr Studies Quarterly*, 8\(29\), 19–38. \[In Persian\].](#)

Ālūsī, M. A. (1994). *Rūḥ al-ma'ānī fī tafsīr al-Qur'ān al-'azīm wa al-sab' al-mathānī*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic].

Baghawī, Ḥ. (1999). *Ma'ālim al-tanzīl* (Ed. 'A. M. Mahdī). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic].

Bayḍāwī, 'A. (1997). *Anwār al-tanzīl wa asrār al-ta'wīl*. Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic].

Fakhr al-Rāzī, M. 'U. (1999). *Al-tafsīr al-kabīr*. Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic].

Ḥuwayzī, 'A. (1994). *Nūr al-thaqalayn*. Ismā'īliyyān. [In Arabic].

Ibn 'Aīyya, 'A. (2001). *Al-muḥarrar al-wajīz fī tafsīr al-kitāb al-'azīz*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic].

Ibn 'Ashūr, M. T. (1999). *Al-tahrīr wa al-tanwīr*. Mu'assasat al-Tārīkh al-'Arabī. [In Arabic].

Ibn Hishām al-Ḥimayrī. (n.d.). *Sīrat Ibn Hishām*. Maktabat 'Abd al-Ra'ūf Sa'd. [In Arabic].

Ibn Hishām, 'A. M. (1936). *Al-sīra al-nabawiyya*. Maṭba'at al-Muṣṭafā al-Bābī al-Ḥalabī wa awlādūh. [In Arabic].

Ibn Kathīr, I. (1998). *Tafsīr al-Qur'ān al-'azīm* (Ed. M. Ḥ. Shams al-Dīn). Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic].

Kohn, A. (2003). *A treasury from the Talmud*. Asāṭīr. [In Persian].

[Lotfī, S. M., & Mirsaedi, S. \(2015\). A semantic analysis of the Qur'anic term "Kitāb" based on collocational relations. *Qur'anic Linguistic Studies*, 4\(2\), 137–158. \[In Persian\].](#)

Mahrosh, F. (2020). "Banī Isrā'īl," *Encyclopaedia Islamica*. Encyclopaedia Islamica Center. [In Persian].

Mashhadī, M. (1989). *Tafsīr Kanz al-daqa'iq wa Baḥr al-gharā'ib*. Ministry of Culture & Islamic Guidance. [In Arabic].

Muqātil b. Sulaymān. (2002). *Tafsīr Muqātil b. Sulaymān* (Ed. 'A. M. Shaḥātah). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic].

Nasafī, 'U. (1997). *Tafsīr Nasafī* (Ed. 'A. Juvaynī). Soroush. [In Arabic].

Qummī, 'A. (1984). *Tafsīr Qummī* (Ed. Ṭayyib M. Jazā'irī). Dār al-Kitāb. [In Arabic].

Qurtūbī, M. b. A. (1985). *Al-jāmi' li-aḥkām al-Qur'ān*. Nāşir Khosrow. [In Arabic].

Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥ. (1992). *Al-mufradāt fī gharīb al-Qur'ān* (Ed. 'A. Dāwūdī). Dār al-'Ilm. [In Arabic].

Samarqandī, N. (1995). *Baḥr al-'ulūm* (Ed. 'A. 'Amrawī). Dār al-Fikr. [In Arabic].

[Soleimani, A. \(2015\). Criteria for the scope of the People of the Book in the Qur'an. *Fiqh Studies*, 11\(2\), 389–412. <https://doi.org/10.22059/jorr.2015.55619> \[In Persian\].](#)

Suyūṭī, 'A. (1984). *Al-durr al-manthūr fī al-tafsīr bi-al-ma'thūr*. Mar'ashī Najafī Library. [In Arabic].

Ṭabarānī, S. (2008). *Al-tafsīr al-kabīr: Tafsīr al-Qur'ān al-'azīm*. Dār al-Kitāb al-Thaqāfī. [In Arabic].

Ṭabarī, M. b. J. (1992). *Jāmi' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Dār al-Ma'rifah. [In Arabic].

Ṭabāṭabā'ī, S. M. (1970). *Al-Mizān fī tafsīr al-Qur'ān*. Mu'assasat al-'Alamī. [In Arabic].

Ṭabrisī, F. (1993). *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān* (Ed. H. Rasūlī Maḥallātī). Nāşir Khosrow. [In Arabic].

Tha'labī, A. (2001). *Al-kashf wa al-bayān* (Ed. A. b. 'Ashūr). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic].

Ṭūsī, M. b. Ḥ. (n.d.). *Al-tibyān fī tafsīr al-Qur'ān* (Ed. A. Ḥ. 'Āmilī). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic].

Wāḥidī, 'A. (1991). *Asbāb nuzūl al-Qur'ān*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic].

Zamakhsharī, M. (1987). *Al-kashshāf ‘an ḥaqā’iq ghawāmiḍ al-tanzīl* (Ed. M. Ḥ. Aḥmad). Dār al-Kutub al-‘Arabī. [In Arabic].

How to cite:

Aghadoosti, Elham; & Sotoudehnia, Mohammad Reza . (2025). Semantic Differences among Ahl al-Kitāb, alladhīna ūtū al-kitāb, and alladhīna ātaynāhum al-kitāb in the Qur’an: A Semantic Inquiry and Chronological Analysis of Revelation. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (4), 127-149.

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.513676.1450>

